

از زایوه نگاه حکمرانی، انتخاب اجتماعی، مردمی کردن امور برای رسیدن به هماهنگی جمعی آحاد مردم در صحنه جامعه است. انتخاب اجتماعی از زایوه نگاه فردی نیز کیفیت حضور افراد در جامعه است که می‌تواند آزادانه یا غیر آزادانه باشد؛ بستگی به نوع محیط اجتماعی که امکان انتخاب آزاد را برای افراد فراهم می‌کند یا آن را محدود کرده و منکر می‌شود. از این نظر باید گفت انتخاب اجتماعی ظرف انتخاب سیاسی است؛ مقوله‌ای که شاید این سال‌ها کمتر به آن توجه شده و به همین منوال کمتر مورد توجه و پرسش قرار گرفته است. به همین دلیل درک رابطه انتخاب

علیرضا مؤذنی: در دنیای معاصر که تصمیم‌گیری‌های جمعی بیش از پیش در تعیین سرنوشت جوامع نقش یافته، درک صحیح از مفاهیمی همچون انتخاب اجتماعی و انتحاب سیاسی برای هر شهروند آگاهی ضروری است.این دو مفهوم اگرچه در ظاهر مشابه می‌نمایند اما از لحاظ مبنا کارکرد و پیامدها تفاوت‌های بنیادینی دارند.

دارند. نادیده گرفتن این تمایز، نه تنها تحلیل‌های اجتماعی را دچار انحراف می‌کند، بلکه می‌تواند مشارکت آگاهانه مردم را در روندهای سرنوشت‌ساز دچار چالش کند. در این یادداشت، با تمرکز بر تحلیل تفاوت میان انتخاب اجتماعی و انتخاب سیاسی، به بررسی لوازم، شرایط و آثار هر یک می‌پردازیم تا تصویری شفاف از این ۲ نوع انتخاب و نقش آنها در شکل‌دهی جامعه ایرانی ارائه دهیم.

۱- **تعریف مفهومی: از انتخاب تا انتخاب‌گری**

انتخاب اجتماعی فرآیندی است که در آن افراد، متأثر از ارزش‌ها، هنجارها، باورها و ساختارهای فرهنگی، تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که بر نحوه زیست جمعی آنها اثر می‌گذارد. این انتخاب‌ها می‌تواند شامل سبک زندگی، الگوی مصرف، نوع پوشش و حتی شیوه تعاملات اجتماعی باشد. در مقابل، انتخاب سیاسی به کنش‌های مستقیم و آگاهانه‌ای گفته می‌شود که افراد در حوزه ساختار قدرت رسمی انجام می‌دهند؛ نظیر رای دادن، مشارکت در تظاهرات یا نامزدی در انتخابات. از این رو، انتخاب اجتماعی غالباً در لایه‌های عمیق‌تر و گاه ناهوشیار ذهن فرد ریشه دارد، در حالی که انتخاب سیاسی با قصد و نیت روشن و در مواجهه با نهادهای رسمی انجام می‌شود. می‌توان گفت انتخاب اجتماعی، بستر فرهنگی و روانی انتخاب سیاسی را شکل می‌دهد.

۲- **حوزه اثر گذاری: فرهنگ یا ساختار؟**

انتخاب اجتماعی عمدتاً در حوزه فرهنگ شکل می‌گیرد و از طریق بازتولید سبک زندگی، نمادها و مناسک جمعی به تقویت یا تضعیف گفتمان‌های غالب اجتماعی می‌انجامد. برای نمونه، گرایش فرآینده نسل‌چوان به زندگی فردگرایانه، یک انتخاب اجتماعی است که می‌تواند در بلندمدت اثرات سیاسی غیرمستقیمی نیز به همراه داشته باشد. اما انتخاب سیاسی در حوزه ساختار عمل می‌کند، وقتی مردم در انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس شرکت می‌کنند، مستقیماً در تعیین قدرت سیاسی و قانون‌گذاری نقش دارند. این تفاوت حوزه‌ای، نشان می‌دهد اگرچه انتخاب سیاسی نمود علنی‌تری دارد اما ریشه و تعدیه‌گاه آن اغلب در لایه‌های پنهان‌تر انتخاب اجتماعی نهفته است.

یوسف پورجو؛ در جهانی که روز به روز درهم‌تنیده‌تر می‌شود، انتخاب‌های فردی دیگر فقط به حوزه خصوصی محدود نمی‌ماند، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به خود می‌گیرد. مفهوم «انتخاب اجتماعی» از همین‌جا اهمیت می‌یابد؛ انتخابی که نه فقط ترجیح فردی، بلکه کنش جمعی را صورت‌بندی می‌کند. در این میان، جامعه‌ما با چالش‌های گوناگونی از جمله نفوذ صدف‌رنگ‌ها، استبداد رسانه‌ای و القانات فکری بی‌گانه مواجه است که ساختار انتخاب اجتماعی را دچار اغتشاش کرده است. بنابراین پرسش از «شرایط امکان انتخاب اجتماعی» دیگر صرفاً یک بحث نظری نیست، بلکه ضرورتی برای بازبینی قدرت اراده جمعی در مسیر تحقق مردم‌سالاری دینی به شمار می‌آید.

۱- **تعریف و چرایی انتخاب اجتماعی**

انتخاب اجتماعی، فرآتر از تصمیم فردی، به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که در آن افراد جامعه در قالب خرد جمعی به تصمیم‌گیری‌های موثر در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دست می‌زنند. این انتخاب زمانی معنا می‌یابد که مؤلفه «آزادی»، «آگاهی» و «مسئولیت‌پذیری» به طور همزمان در جامعه محقق باشند. بدون وجود بسترهایی برای تضارب آراء، آموزش تفکر نقادانه و احساس مسئولیت نسبت به پیامدها، انتخاب اجتماعی به یک کنش نمایشی تقلیل می‌یابد.

۲- **نقش اراده آگاهانه در امکان انتخاب اجتماعی**

رهبر انقلاب اسلامی در بیانات متعددی بر ضرورت اراده آگاهانه مردمی تأکید کرده‌اند و این اراده را پیش‌فناوه اصلی اصلاح و پیشرفت کشور دانسته‌اند. به باور ایشان، اگر انتخاب‌ها بر اساس تحلیل عمیق از واقعیت‌ها و ارزش‌ها شکل نگیرد، نتیجه چیزی جز گم‌گشتگی فرهنگی و وابستگی سیاسی نخواهد بود. بنابراین پیش‌نیاز تحقق انتخاب اجتماعی، ارتقای سطح شناخت عمومی و تقویت باور به توانایی جمعی است.

۳- **منابع تحقیق انتخاب اجتماعی در بستر کنونی**

استعمار خارجی، در قالب رسانه‌های جریان‌ساز، تلاش دارد الگوهای انتخاب غرب‌محور را به عنوان گزیننده‌های «دینی» به جامعه القا کند. این جریان با تضعیف بنیان‌های هویتی و فرهنگی، روح جمعی را به وابستگی سوق می‌دهد. از طرف دیگر، گاه در داخل کشور نیز با نوعی از «استبداد نرم» مواجه هستیم؛ یعنی حذف صلاهای متفاوت و کنترل فضای انتخاب از طریق عوام‌گرایی یا کلیشه‌سازی. این نوع از استبداد، اگرچه بی‌صلادت اما مانع شکل‌گیری انتخاب اجتماعی اصیل می‌شود.

۴- **تمایز انتخاب اجتماعی و انتخاب سیاسی**

اگرچه انتخاب سیاسی یکی از جلوه‌های انتخاب اجتماعی است اما میان آن

اجتماعی با انتخاب سیاسی و فهم کمیت و کیفیت این ارتباط از مسأله‌هایی است که لازم است مورد تأمل و دقت قرار گیرد. فارغ از بعد سیاسی انتخاب اجتماعی، خودآگاهی نسبت به لوازم و اقتضانات انتخاب اجتماعی، مقدمه واجب حفظ ارزش آزادی در جامعه اسلامی است. بی‌توجهی به این اقتضانات، فضای جامعه را بتدریج دچار خردده‌استبدادهایی می‌کند که امکان آزادی به وسعت یک جامعه و ملت را سلب می‌کند. یکی از مهم‌ترین لوازم، اولا پذیرش مسؤولیت انتخاب اجتماعی و ثانیاً وقوف و آگاهی به این مسؤولیت است. کم و بیش در جامعه اسلامی حس مسؤولیت‌پذیری

۳- **اقتضانات و الزامات**

انتخاب سیاسی برای آنکه موثر و کارآمد باشد، نیازمند آگاهی، دسترسی به اطلاعات صحیح و بسترهای قانونی و نهادی سالم است. در مقابل، انتخاب اجتماعی برای تحقق، نیازمند نظام ارزش‌گذار منسجم، هویت فرهنگی روشن و نهادهای تربیتی موثر است. رهبر انقلاب اسلامی نیز همواره تأکید داشته‌اند مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف، ویژه انتخابات، زمانی می‌تواند کارکرد حقیقی خود را ایفا کند که بر پایه آگاهی اجتماعی و فرهنگی استوار باشد.

۴- **تفاوت در پیامدها**

در حالی که انتخاب سیاسی معمولاً دارای پیامدهای کوتاهمدت و ملموس است، تغییر دولت، تصویب یک قانون، آغاز یک سیاست عمومی،) انتخاب اجتماعی در بلندمدت به تغییر بافت اجتماعی، تقویت یا تضعیف هویت فرهنگی و حتی شکل‌گیری یا زوال تمدنی منجر می‌شود. این به آن معناست که انتخاب اجتماعی، زیربنای پایداری اجتماعی را تشکیل می‌دهد، در حالی که انتخاب سیاسی بیشتر نقش تغییردهنده سطحی و موقتی دارد، مگر آنکه از دل یک تحول اجتماعی عمیق برخاسته باشد.

۵- **تحریف مفاهیم در سایه استعمار و استبداد**

یکی از دغدغه‌های جدی در تحلیل تفاوت میان این ۲ نوع انتخاب، نفوذ اندیشه‌های غرب‌زده و تلاش جریان‌های فکری وابسته برای استحاله مفهوم آزادی انتخاب است. در نگاه غربی، آزادی مطلق و بی‌مرز، ملاک انتخاب اجتماعی است؛ حتی اگر این آزادی به فروپاشی اخلاقی و خانواده بینجامد اما در منظومه فکری اسلامی، آزادی در چارچوب حق و حکمت معنا می‌یابد. در واقع، انتخاب اجتماعی در جامعه اسلامی نباید منجر به تسلیم در برابر جریان‌های استعماری فرهنگی شود، بلکه باید بازتابی از تعهد فرد به حقیقت، اخلاق و منافع جمعی باشد. تفاوت انتخاب اجتماعی اسلامی با نسخه لیبرال غربی دقیقاً در همین مرزبندی معنا و مرام است.

در یک جمله، می‌توان گفت انتخاب اجتماعی، ریشه است و انتخاب سیاسی، میوه‌ای بر آن درخت. شناخت این تفاوت، شرط لازم برای سامان‌دهی صحیح به مشارکت مردمی در تمام سطوح است. در عصر پیچیده امروز که قدرتهای استکباری تلاش دارند فرهنگ را به ابزاری برای مهندسی اراده ملت‌ها بدل کنند، درک و تقویت انتخاب اجتماعی آگاهانه، به مثابه یک سنگر مقاومت فرهنگی ضروری است. اگر جامعه‌ای بخواهد در عرصه سیاست، استقلال، رشد و عزت را تجربه کند، باید پیش از آن، در ساحت فرهنگ، آزادی و آگاهی را تمرین کرده باشد. از این رو، توجه به تربیت فرهنگی و مراقبت از خردفرهنگ‌ها، نه فقط یک وظیفه فرهنگی، بلکه یک ضرورت راهبردی در تحقق ایران قوی است.

دو تفاوت بنیادی وجود دارد. انتخاب سیاسی عمدتاً در قالب رویدادهای مشخصی نظیر انتخابات تجلی می‌یابد اما انتخاب اجتماعی امری مستمر و چندلایه است که در سبک زندگی، مصرف فرهنگی، مشارکت مدنی و حتی در نوع روابط اجتماعی منجلی می‌شود. به عبارتی، انتخاب اجتماعی زیربنای انتخاب سیاسی است؛ اگر مردم در عرصه فرهنگ و اجتماع انتخاب آزاد و آگاهانه نداشته باشند، نمی‌توان از مشارکت سیاسی موثر نیز انتظار داشت.

۵- **شرایط امکان انتخاب آزاد: از نظر تا عمل**

تحقق انتخاب اجتماعی مستلزم فراهم‌سازی شرایط زیر است:

– **آموزش و پرورش انتقادی**: تربیت نسلی که قادر به تحلیل، مقایسه و انتخاب بر اساس اصول باشد
– **عدالت اطلاعاتی**: دسترسی آزاد و متوازن به منابع متنوع فکری و فرهنگی برای همه اقشار
– **گفت‌وگوی اجتماعی**: تقویت فضاهای تضارب آراء و پرهیز از تک‌صدایی
– **حمایت و چرایی نهادهای مردمی**: تسهیل مشارکت جمعی از طریق شوراهא، انجمن‌ها

و رسانه‌های مستقل
– **حاکمیت قانون و اخلاق**: ایجاد اعتماد اجتماعی از طریق شفافیت و رعایت عدالت
۶- **نقش نظام اسلامی در تحقق انتخاب اجتماعی**
نظام اسلامی، چنانکه رهبر انقلاب تأکید دارند، نباید تسهیل‌گر انتخاب آزاد و مسؤولانه باشد. به تعبیر ایشان، «ایران قوی از نگاه زمانی محقق می‌شود که مردم در سطوح مختلف جامعه حس کنند انتخاب‌شان موثر و محترم است. در چنین فضای، حاکمیت نه با تاج‌باز، بلکه با افتخار و همراهی پیش می‌رود. این‌منظر، انتخاب اجتماعی تجلی اراده مردم برای ساختن آینده‌ای در امتداد آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

۷- **نقد کلیشه‌ها و بازخوانی استعاره‌ها**

در فرهنگ عمومی ما، گاه انتخاب با پیامدهای فردی محدود تعریف می‌شود اما انتخاب اجتماعی، برخلاف این نگاه فردمحور، پیامدی جمعی دارد و نمی‌توان نتایج آن را تنها بر دوش فرد گذاشت. از این رو، باید استعاره‌های نازمانی پدید آورد که برابری با واقعیت‌ها، بلکه به مثابه وظیفه‌ای تاریخی در برابر آینده جامعه باز‌نمایی کند. از این رو انتخاب اجتماعی، قلب تپنده مردم‌سالاری دینی و شاخصی از رشد فرهنگی یک ملت است. تحقق آن تنها زمانی ممکن است که مردم در بستر آزادی، آگاهی و مسؤولیت‌پذیری، نقش واقعی خود را در تصمیم‌گیری‌های کلان بازیابند. در مقابل همه‌جملای بیرونی و انحراف‌های درونی، این انتخاب آگاهانه است که می‌تواند مسیر استقلال، هویت و پیشرفت را هموار کند. رهبر انقلاب می‌فرمایند: «بدون مشارکت مردم، هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان دهد». این اصل، نه فقط اقتصادی، بلکه فرهنگی و سیاسی نیز است. شرط امکان انتخاب اجتماعی، آن است که مردم باور کنند انتخاب‌شان معنا دارد و نظام اسلامی نیز آن را به رسمیت می‌شناسد و پشتیبانی می‌کند.

پرونده «وطن امروز» در باره نظر به انتخاب اجتماعی در زندگی و زمانه امروز

انگاره انتخاب اجتماعی

دیده می‌شود، بویژه زمان‌هایی که کشور نیاز به انسجام داشته یا برای ترمیم زخم‌های اجتماعی و مقابله با تهدیدات بسیج می‌شود. اما همه بخوبی و نیک می‌دانیم توسعه آزادی‌های اجتماعی، در گرو وجود آگاهی‌های مستمر و متصلی است که همه آحاد مردم در شرایط غیربزرنگاهی و معمولی باید داشته باشند. با این مقدمه معلوم می‌شود، هر انتخاب اجتماعی باید توأم با محاسبه‌ای عقلانی باشد که هر فرد را هم نسبت به هزینه‌ها و پیامدهای این انتخاب و هم پذیرش مسؤولیت آن، آگاه کند. با درک چنین ضرورتی، در ادامه و در قالب پرونده پیش رو به چنین مضامینی می‌پردازیم:

محمدرضا بابایی: «هر که خربزه می‌خورد، پای لرزش هم می‌نشیند»؛ این‌جمله برای بسیاری از ما تنها یک ضرب‌المثل ساده نیست، بلکه نوعی چارچوب ذهنی است که تصمیم‌گیری‌های جمعی و فردی ما را هدایت می‌کند. در جامعه امروز ایران که با چالش‌هایی نظیر تغییرات سبک زندگی، تهاجم فرهنگی و تحرکات استبداد رسانه‌ای و فکری روبه‌رو است، چنین استعاره‌هایی نقش پررنگی در شکل‌دادن به فهم عمومی از انتخاب اجتماعی ایفا می‌کند اما آیا این چارچوب‌های زبانی همواره سازنده‌اند یا گاهی خود به مانعی برای کنشگری آزاد و آگاهانه تبدیل می‌شوند؟ در این یادداشت، به تحلیل این استعاره‌ها، نقد کلیشه‌ها و بررسی ظرفیت‌های حکمی بدلی می‌پردازیم که می‌توانند نگاه ما را به انتخاب اجتماعی متحول کنند.

■ **استعاره‌های رایج: بازتابی از فرهنگ یا مانعی برای آگاهی؟**

ضرب‌المثل‌هایی چون «هر که خربزه می‌خورد…»، «چوبش را می‌خورد» یا «خودکرده را تدبیر نیست» در ظاهر بر مسؤولیت فردی این نگاه، بویژه در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی، منجر به نوعی بی‌اعتمادی متغلاانه هستند. این استعاره‌ها غالباً بار ارزشی منفی دارند و انتخاب را با مجازات، توبیخ یا ندامت گره می‌زنند. در نتیجه، به جای تقویت فرهنگ مشارکت فعال، ناخواسته نوعی هراس از انتخاب و گریز از مسؤولیت جمعی را القا می‌کنند.

این نگاه، بویژه در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی، منجر به نوعی بی‌اعتمادی به فرآیند انتخاب اجتماعی می‌شود. وقتی مردم احساس کنند هزینه انتخاب‌های‌شان نه توسط نظام ساختاری، بلکه توسط خودشان، آن هم به صورت فردی پرداخت می‌شود، تمایل به کنش اجتماعی کاهش می‌یابد.
■ **کلیشه‌ها: ذهن‌هایی که نو نیندیشید!**
اندیشه‌های رایج در مواجهه با انتخاب اجتماعی، تفکیک سختگیرانه میان آزادی و مسؤولیت است. این کلیشه، آزادی را صرفاً امکانی برای انتخاب می‌داند و مسؤولیت را باری بر دوش انتخاب‌کننده. در حالی که در حکمت اسلامی، آزادی نه صرفاً امکان، بلکه وظیفه‌ای انسانی است که در دل خود مسؤولیت را می‌پرورد. به تعبیر فردوسی:

چه گفت آن سخنگوی آزاده مرد/ که از آذاه را کاهلی بنده کرد

یکی از کلیشه‌های رایج در مواجهه با انتخاب اجتماعی، تفکیک سختگیرانه میان آزادی و مسؤولیت است. این کلیشه، آزادی را صرفاً امکانی برای انتخاب می‌داند و مسؤولیت را باری بر دوش انتخاب‌کننده. در حالی که در حکمت اسلامی، آزادی نه صرفاً امکان، بلکه وظیفه‌ای انسانی است که در دل خود مسؤولیت را می‌پرورد. به تعبیر فردوسی:

چه گفت آن سخنگوی آزاده مرد/ که از آذاه را کاهلی بنده کرد

مهدی ارمغانی: در جهانی که انتخاب‌های فردی و اجتماعی بیش از هر زمان دیگری بر هویت فرد و سرنوشت جمع تأثیر می‌گذارد، پرسش از شرایط و لوازم «انتخاب آزاد» به مسأله‌ای بنیادین بدل شده است. انتخاب اجتماعی صرفاً تصمیم‌گیری جمعی در بزنگاه‌هایی چون انتخابات سیاسی نیست، بلکه نمادی از بلوغ فکری، فرهنگی و اخلاقی یک جامعه است اما هنگامی که این انتخاب از مسیر خود منحرف شود یا پدیدهای به نام استبداد اجتماعی مواجه می‌شویم؛ وضعیتی که در آن آزادی ظاهری انتخاب جای خود را به فشارهای پنهان رسانه‌ای، فرهنگی و حتی روانی می‌دهد. پس باید دید چگونه می‌توان شرایط انتخاب آزاد را حفظ کرد و جامعه را از فرو غلغیدن در وادی استبداد اجتماعی بر حذر داشت؟

■ **انتخاب اجتماعی: پیوند آزادی و مسؤولیت**
انتخاب اجتماعی برخلاف تصور رایج، صرفاً به معنای داشتن گزیننده‌های گوناگون نیست. آزادی در انتخاب، در اندیشه اسلامی، همزمان با مسؤولیت و آگاهی معنا می‌یابد. انسان بر خوردار از اختیار، نه‌تنها می‌تواند انتخاب کند، بلکه در برابر آنچه انتخاب کرده، پاسخگو است. از نگاه رهبر انقلاب، این آگاهی و مسؤولیت‌پذیری در بستر اجتماعی، عامل اصلی تحکیم پایه‌های استقلال و اقتدار ملی است. اگر آزادی از مسؤولیت تهی شود، جامعه براحتی می‌تواند ملعبه امواج تبلیغاتی و خواسته‌های نظام سلطه شود و این همان نقطه آغاز استبداد اجتماعی و جرح‌زدایی است.

■ **استبداد اجتماعی: تهدیدی با لباس آزادی**

استبداد اجتماعی بر خلاف تصور عام، همیشه با دیکتاتوری عریان سیاسی همراه نیست. گاه این استبداد در لافاه آزادی‌های فردی، خودنمایی می‌کند. آن‌گاه که فضای اجتماعی پر می‌شود از الگوهای تحمیلی، کلیشه‌هایی جذاب اما تهی و روایت‌هایی مهندسی‌شده از موقیبت، آزادی و پیشرفت، انتخاب‌های اجتماعی دیگر انتخاب نیستند، بلکه نتیجه هژمونی رسانه‌ای و سلطه نرم هستند. به تعبیر برخی اندیشمندان، اینجاست نوعی «دیکتاتوری تماشگران» همچنین؛ جایی که مردم می‌آنکه بدانند، خواسته‌های خود را نه از وجدان فردی، بلکه از صحنه‌های پر زرق و برق رسانه‌ای استخراج می‌کنند.

■ **نظام اجتماعی اسلامی: از آزادی آگاهانه تا مشارکت موثر**

یکی از کاربژه‌های نظام اسلامی، تسهیل انتخاب آزاد و مسؤولانه مردم در همه عرصه‌هاست. در این چارچوب، انتخاب اجتماعی نه تنها تهدید نیست، بلکه ابزار تحقق مردم‌سالاری دینی است. رهبر انقلاب با تأکید بر «ایران

شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۰۰
اندیشه

– شرایط امکان انتخاب اجتماعی
– تفاوت انتخاب اجتماعی با انتخاب سیاسی
– اقتضانات حفظ شرایط انتخاب آزاد و درنهایتان در وادی استبداد اجتماعی
تحلیل استعاره‌های فعلی درباره انتخاب اجتماعی (هر کی خربزه می‌خوره، پای لرزش هم می‌شینه و…)
نقد کلیشه‌ها و در مقابل برکشیدن ظرفیت‌های حکمی جدید
– تبیین تسهیل‌گری نظام اسلامی و رهبر انقلاب در به حاکمیت اجتماعی رساندن مردم
– تبیین مقوله انتخاب اجتماعی (همرویی انتخاب آزاد و مسؤولیت)

بنابراین آنچه باید نقد شود نه آزادی، بلکه فهم ناقص ما از نسبت آزادی و مسؤولیت در عرصه انتخاب اجتماعی است. کلیشه‌هایی که بر «بی‌نتیجه بودن انتخاب‌ها»، «حاکم بودن قدرتهای بزرگ» یا «بی‌اثر بودن رای مردم» تأکید دارند، در واقع بازتاب یک روایت‌شناسی شکست‌خورده اجتماعی هستند که باید به چالش کشیده شود.

■ **افق‌های حکمی جدید: بازگشت به عقلانیت معنوی**

در مقابل این استعاره‌ها و کلیشه‌ها، حکمت ایرانی– اسلامی ظرفیت‌های مهمی برای بازتعریف انتخاب اجتماعی دارد. در نگاه توحیدی، انسان خلیفه‌الله است؛ موجودی با اراده، مسؤول و آگاه. انتخاب در این منظومه نه تنها حق، بلکه تجلی مقام انسانی است. قرآن می‌فرماید: «و هدیناه التجدین»؛ یعنی خداوند ۲ راه را به انسان نشان داد و او را آزاد گذاشت تا انتخاب کند. این آزادی اما مقید به حقیقت، عدل و کرامت انسانی است. رهبر انقلاب نیز با تأکید بر این نگاه، انتخاب اجتماعی را نه فقط مشارکت در انتخابات، بلکه حضور آگاهانه در همه ساحت‌های زندگی می‌دانند. از این منظر، هر انتخاب، از سبک پوشش تا مشارکت اقتصادی و سیاسی، عرصه‌ای از تحقق ایران قوی است؛ ایرانی که بر پایه انتخاب‌های آزاد، آگاهانه و در جهت مصالح عمومی شکل می‌گیرد.

■ **به سوی زبان نو: استعاره‌های سازنده برای تمدن‌سازی**

جامعه برای تحول در کنش اجتماعی، نیازمند زسان جدیدی از استعاره‌هاست. استعاره‌هایی که انتخاب را امری مقدس، اخلاقی و تمدن‌ساز جلوه دهند. به جای «پای لوز خربزه نشستن»، می‌توان از تعبیراتی چون «کشت اندیشه و برداشت عزت» یا «هر انتخاب، آینه فردا» بهره گرفت.

همچنین مفاهیمی چون «بصیرت اجتماعی»، «خودآیینی جمعی» و «مردم‌سالاری مسؤولانه» باید در گفتمان عمومی تقویت شود. این زبان نو، به جای تخطئه انتخاب، آن را پاس می‌دارد و به جای تقلیل مشارکت، آن را ارج می‌بندد.

از این رو استعاره‌ها و کلیشه‌ها بیش از آنکه عناصر زبانی صرف باشند، شکل‌دهنده ذهنیت جمعی ما هستند. انتخاب اجتماعی، مفهومی عمیق و پیچیده است که نیازمند بازنگری جدی در قالب‌های بیانی و معنایی آن است. نقد کلیشه‌های متغلاانه و خلق استعاره‌های حکمی نو، گامی ضروری در مسیر تحقق جامعه‌ای آگاه، مستقل و مشارکت‌محور است. تنها در پرتو این بازاندیشی است که می‌توان به سمت ایرانی قوی، آزاد و اخلاق‌مدار گام برداشت؛ ایرانی که در آن انتخاب اجتماعی نه تهدید، بلکه فرصت رشد فردی و جمعی تلقی می‌شود.

«قوی» به عنوان هدف مشترک مردم و نظام، انتخاب آگاهانه را مسیر تقویت این هدف می‌دانند. آزادی در اینجا نه به معنای رهاشدگی مطلق، بلکه به معنای داشتن فرصت، قدرت تشخیص و بستر سالم برای تصمیم‌گیری است. این آزادی، بر خلاف الگوی غربی، نسبتی با ارزش‌های اخلاقی، حقیقت‌جویی و رعایت مرزهای عقلانی و دینی دارد.

■ **نقش انسان‌شناسی در فهم انتخاب**

در فلسفه اسلامی، انسان موجودی مختار، متعالی و دارای فطرتی خداجو معرفی می‌شود؛ در حالی که در نگاه سکولار مدرن، انسان بیشتر مصرف‌کننده‌ای است در جست‌وجوی لذت و منفعت. این دو نگاه به انسان، نوع رویکرد متفاوت به انتخاب اجتماعی را می‌سازد: یکی انتخاب را فرصتی برای تعالی و دیگری، ابزاری برای مصرف‌گرایی و سلطه‌پذیری. از این رو است که توجه به انسان‌شناسی اسلامی، کلید فهم اقتضانات انتخاب آزاد است. اگر انتخاب بر اساس فطرت و عقلانیت رشد یافته انجام شود، در برابر استبداد رسانه‌ای و فرهنگی نیز مقاوم خواهد بود.

■ **بسترهای تقویت انتخاب آزاد: مسؤولیت دولت و نخبگان**

برای جلوگیری از افتادن در دام استبداد اجتماعی، باید بسترهایی فراهم شود که مردم بتوانند به آگاهی دست یابند و صدای آنان در ساخت‌های مختلف شنیده شود. این امر نیازمند آموزش رسانه‌ای و تربیت سواد انتقادی در سطح عمومی و شفاف‌سازی اطلاعات در فرصت برابر در مشارکت اجتماعی، حمایت از نهادهای مردمی مستقل و اخلاق‌محور و پرهیز از الگوهای شبه‌مورکراتیک مبتنی بر صحنه‌سازی رسانه‌ای است.

همچنین نخبگان فکری، فرهنگی و دینی وظیفه دارند با ارائه روایت‌های اصیل از آزادی، پیشرفت، هویت و مسؤولیت، به مردم کلیشه‌های فرهنگی مسلط مقاومت کنند و چشم‌اندازهای روشن‌ر و بدیل به جامعه ارائه دهند.

■ **آزادی اصیل، سد راه استبداد نوپدید**

انتخاب اجتماعی اگر در مسیر خودآگاهی، اخلاق و عدالت پیش رود، نه تنها آزادی را محقق می‌کند، بلکه سپری استوار در برابر استبداد پنهان اجتماعی خواهد بود. جامعه‌ای که، به انتخاب‌های خود معنا، هدف و مسؤولیت می‌بخشد، در برابر امواج مهندسی فرهنگی، مصون‌تر است. راه جلوگیری از انحراف انتخاب اجتماعی، در آن محدودسازی آزادی، بلکه در تعمیق آن با معیارهای حکیمانه الهی و عقلانی است.

در نهایت، انتخاب اجتماعی، پیشرفت، هویت و مسؤولیت، به عنوان بازیگر فعال و مسؤول در جامعه ببینند، نه صرفاً مصرف‌کننده‌ای بی‌تأثیر. این دیدگاه، هسته مرکزی اندیشه اسلامی درباره آزادی اجتماعی است؛ دیدگاهی که می‌تواند راه را بر استبداد نرم ببیند و راهی به سوی جامعه‌ای آزاد، مستقل و اخلاق‌مدار بگشاید.

توضیح: در جهان امروز انتخاب افراد عمدتاً تحت تأثیر الگوریتم‌های پلتفرم‌هاست؛ این الگوریتم‌ها با رصد رفتار کاربران، محتوایی را که «مطابق سلیقه» است پیشنهاد می‌دهند اما ما می‌توانیم گامی جلوتر بگذاریم؛ ساخت پلتفرم‌های بومی (در حوزه سرگرمی، آموزش، فروش و…) که نه فقط سلیقه‌محور، بلکه «بصیرت‌محور» باشند. یعنی به جای اینکه صرفاً محتوای مطابق علاقه قبلی کاربر را نمایش دهند، در عین رعایت جذابیت، محتوای ارتقا‌دهنده سطح انتخاب او را نیز وارد چرخه مصرف کنند.

مثال: یک پلتفرم بومی و جذاب اشتراک ویدئو به جای آنکه صرفاً محتوای طنز سبک یا ویدئوهای مصرف‌گرایانه را پیشنهاد دهد، بر اساس علائق کاربر، او را به سمت آگاهی‌های اجتماعی، الگوهای سبک زندگی اسلامی – ایرانی، تحلیل‌های حکیمانه و مستندهای بومی سوق دهد اما با بیانی کاملاً رسانه‌ای، غیرشعاری، شخصی‌سازی‌شده و مبتنی بر روایت. در واقع، این الگوریتم‌ها باید «زیبیت رسانه‌ای» را به صورت زیرپوستی و تدریجی پیاده‌سازی کنند. الگوریتمی که کاربر را می‌فهمد و در عین حال به سطح بالاتر رشد می‌دهد؛ درست مثل عملی که با زبان دانش‌آموز حرف می‌زند اما او را در سطح خودش نگه نمی‌دارد.

■ **صحنه پنجم – آزادی در تراز حقیقت**

مسأله انتخاب اجتماعی در لایه‌های عمیق‌تر، مسأله آزادی هم هست اما نه آزادی به معنای «بی‌قید بودن»، بلکه آزادی به معنای «امکان انتخاب درست». در اندیشه اسلامی، آزادی آن‌گاه ارزش دارد که مقدمه‌ای برای رشد و کمال انسان باشد و انتخاب اجتماعی نیز تنها زمانی واقعی است که در فضایی اخلاقی، معنوی و علاقه‌انگاف بیفتد. در مقابل، در منطبق غربی، آزادی به معنای برداشتن

هرگونه مانع از سر راه خواسته‌های فردی است. حتی اگر به قیمت تخریب هویت جمعی و عدالت اجتماعی باشد. اینجاست که انتخاب اجتماعی در غرب به ابزار برای تفرقه، مصرف‌گرایی و استحاله فرهنگی بدل شده و به طور پنهان به سود سرمایه‌داری عمل می‌کند.

■ **صحنه پایانی – روایت مردم**

ایده اصلی در تحقق انتخاب اجتماعی اسلامی این است: مردم را مهندسی نکنیم، بلکه روایت کنیم. رسانه‌های جمهوری اسلامی باید روایتگر ظرفیت مردم باشند، نه معمار ساختگی آنها. روایت باید از بطن مردم آغاز شود، زبان مردم را بفهمد اما آنها را به سطحی بالاتر برده. این یعنی رسانه به جای تحمیل یک ایده، مردم را شریک معنا و تجربه کند. بیانات رهبر انقلاب – از جمله درباره «ایران قوی» – همین را نشان می‌دهد: ایران قوی با مردم قوی ساخته می‌شود، نه فقط دولت قوی. مردم قوی نیز از مسیر رسانه‌های آگاساز، انتخاب‌های روشن و مشارکت مسؤولانه به وجود می‌آیند.

■ **نتیجه‌گیری: انتخاب اجتماعی، از ساحت فرهنگ آغاز می‌شود**

بنابراین انتخاب اجتماعی مسأله‌ای صرفاً سیاسی یا اقتصادی نیست، بلکه ریشه در فرهنگ دارد و فرهنگ نیز با رسانه شکل می‌گیرد. در این میدان، رسانه‌های اسلامی اگر بخواهند نقش آفرین باشند، نباید همزمان «دش‌فنی» و «درک حکمی» را با هم داشته باشند؛ هم جذاب بسازند و هم جهت‌دار، هم روایتگر باشند و هم راهبر. در این صورت است که می‌توان در برابر استبداد نرم جهانی ایستاد و آزادی را از انفعال صرف‌گرایانه به کنش موثر فرهنگی بدل کرد. این، نخستین قدم در تحقق انتخاب اجتماعی در تراز نهضت امام و رهبری است.